

بررسی وضعیت، شناسایی مزیت نسبی و تدوین برنامه استراتژیک توسعه اشتغال با استفاده از مدل‌های تغییرسهم، ضریب مکانی و سوات (SWOT) (مورد مطالعه: شهرستان بیرجند)

علی حاجی‌نژاد،* جعفر قادری،** سیده‌سمیه خاتمی،*** غلامرضا یونسی****

تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۳/۲۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۵/۲۸

از جمله چالش‌های مطرح در اقتصاد مناطق حاشیه کشور از جمله خراسان جنوبی، افزایش نرخ بیکاری و نابسامانی وضعیت اشتغال می‌باشد. با توجه به روند رو به افزایش جمعیت به‌ویژه در مناطق شهری، بررسی و تحلیل اشتغال مناطق جهت تدوین برنامه‌های مطلوب در راستای توسعه ضرورتی انکارناپذیر دارد. تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت اشتغال و شناسایی مزیت نسبی شهرستان بیرجند با استفاده از مدل تغییر سهم و ضریب مکانی، به تحلیل گروه‌های عمده فعالیت در مقاطع آماری ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ پرداخته است. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. داده‌های مورد نیاز نیز از مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است. براساس نتایج مدل تغییر سهم و ضریب مکانی، تکیه بر مزیت نسبی و قابلیت صادراتی زیربخش‌های صنعت شامل معدن، تأمین آب، برق، گاز و ساختمان و خدمات به‌ویژه مالی و بیمه، آموزش، امور عمومی و دفاع می‌تواند نقش مؤثری در رشد اشتغال بیرجند داشته باشد. در این راستا سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی و صنعت، ایجاد کارگاه‌های صنعتی در نقاط شهری و روستایی، به‌کارگیری تکنولوژی سازگار با دانش بومی و ارتقای فعالیت‌های بخش تأمین آب، برق و گاز در راستای افزایش صادرات پیشنهاد داده شده است.

کلیدواژه‌ها: اشتغال؛ مزیت نسبی؛ مدل تغییر سهم؛ مدل اقتصاد پایه؛ مدل سوات؛ شهرستان بیرجند؛

استان خراسان جنوبی؛ ایران

* دانشیار برنامه‌ریزی توسعه روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)؛ Email: ahajinejad@gep.usb.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه شیراز؛ Email: jghaderi@rose.shiraz.ac.ir

*** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛

Email: khatami.somayeh@gmail.com

**** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور بیرجند؛ Email: Reza.unosi@gmail.com

مقدمه

ایران به واسطه داشتن پهنه‌ای وسیع و شرایط ناهمگون اقتصادی اجتماعی و زیست‌محیطی، تاکنون نتوانسته در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های کلان توسعه، در نواحی مختلف و در سطوح محلی مانند سطح ملی توفیق داشته باشد. عدم توجه به برخی از سطوح محلی در برنامه‌ریزی‌ها و نادیده گرفتن قابلیت‌های این مناطق باعث شده تا شکاف و عدم تعادل میان سطح ملی و مناطق توسعه‌نیافته افزایش یابد. این مسئله افزایش نرخ بیکاری در برخی از سطوح محلی و افزایش روند مهاجرت به شهرهای بزرگ را در پی داشته است. لذا توجه به ظرفیت‌های درون منطقه‌ای و تلاش برای ارتقای نهادهای محلی به مثابه کلید اصلی توسعه، ضرورتی انکارناپذیر دارد. مطالعات صورت گرفته در این زمینه (جدول ۱) نیز حاکی از نقش مهم قابلیت‌ها و مزیت نسبی مناطق در رشد اقتصادی کشورها است.

جدول ۱. نمونه‌ای از مطالعات صورت گرفته پیرامون مسئله مورد بررسی

محقق	سال تحقیق	روش تحقیق	نتایج تحقیق
نورث	۱۳۸۵	مدل پایه صادرات	درآمد ناشی از صادرات موجب رشد و رونق اقتصاد منطقه‌ای می‌شود
امینی و منصوری	۱۳۸۵	مدل تصحیح خطای برداری	با افزایش تحصیلات و فناوری، شاغلان از بخش کشاورزی به صنعت منتقل می‌شوند
فرهودی و محمدی	۱۳۸۵	مدل تغییر سهم	جهت توسعه یافتگی باید مزیت نسبی استان و پتانسیل‌های اقتصادی در نظر گرفته شود

مأخذ: منابع تحقیق.

در این مقاله سؤال اصلی این بوده که وضعیت اشتغال در شهرستان بیرجند در طی دوره‌های مورد بررسی چه تغییراتی کرده و این تغییرات ناشی از چه عواملی است. مقاله، در نهایت به ارائه راهکارهایی جهت افزایش فرصت‌های اشتغال در این شهرستان پرداخته است. تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت اشتغال و شناسایی مزیت نسبی شهرستان بیرجند، با استفاده از مدل اقتصادی تغییر سهم^۱ و ضریب مکانی^۲، وضعیت اشتغال را در سه بخش

1. Shift Share

2. Location Quotient

کشاورزی، صنعت و خدمات طی مقاطع آماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و فاصله زمانی بین این سال‌ها بررسی کرده است. از آن جایی که نتایج حاصل از این پژوهش به بیان تغییرات ساختاری و رقابتی اشتغال در سطح محلی و مقایسه آن با سطح ملی و نیز شناسایی مزیت نسبی در شهرستان بیرجند پرداخته است، می‌تواند راهنمای مفیدی برای برنامه‌ریزان و مدیران محلی باشد.

۱. مبانی نظری

ایده اصلی مزیت نسبی توسط اقتصاددانان کلاسیک ارائه شده است. آدام اسمیت^۱ در کتاب ثروت ملل بیان می‌کند که هر ملتی میل دارد در گونه‌ای از تولید تخصص پیدا کند که با اجرای اصل اساسی تقسیم کار به‌طور طبیعی استعداد بیشتری دارد. دیوید ریکاردو^۲ نیز در خصوص اهمیت مزیت نسبی تأکید داشت که هر کشور در تولیداتی که بیشترین مزیت نسبی را دارد باید تخصص کسب کند (جعفری صمیمی و نقوی، ۱۳۸۷: ۴). بی‌توجهی به استعدادها، توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی موجب می‌شود تا سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد (جانارانجانا و دیگران، ۲۰۱۰: ۴-۲) و به‌رغم اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی و منطقه‌ای، همچنان روند توسعه نیافتگی مناطق ادامه یابد. بنابراین در صورتی که عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی مناطق شناسایی شود، می‌توان زمینه ارتقای سطح سیاستگذاری‌های مرتبط با مناطق و اتخاذ تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درست و مبتنی بر آگاهی را برای سیاستگذاران ملی و محلی فراهم کرد (صادقی شاهدانی و غفاری فرد، ۱۳۸۸: ۱۱۶). به نقل از تودارو^۴، توسعه اقتصادی مستلزم توجه به نیازهای محلی، شناخت نقاط قوت و ضعف مناطق و حداکثرسازی پتانسیل‌ها و از بین بردن چالش‌ها و محدودیت‌ها در سطح مناطق می‌باشد. لذا هدف عمده انجام مطالعات اقتصادی آگاهی از ترکیب اقتصادی، ارزیابی حیات اقتصادی و پیش‌بینی وضعیت آینده اقتصاد محلی است تا از این طریق بتوان زمینه رشد و توسعه منطقه را پیش‌بینی کرده، تبلور فضایی کالبدی آن را در شکل مناسب به تجسم درآورد (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۴۸).

1. Adam Smith
2. Ricardo
3. Janaranjana and etal.
4. Todaro

در این راستا سه رویکرد مطرح علم اقتصاد (رویکرد نئو کلاسیک^۱، نئو کینزین^۲ و نهادگرا^۳) با توجه به اصول اساسی خود، راهکارهایی را ارائه داده‌اند. رویکرد نئو کلاسیک بر تعادل و جابه‌جایی تأکید دارد. بر اساس این رویکرد رشد اقتصادی مناطق، مستلزم توازن در بخش‌های اقتصادی یک منطقه است. نئو کلاسیک‌ها بر این نظرند که با اصلاح رفتار جست‌وجوی شغل، بازار کار خود به خود متعادل می‌شود (برانسون، ۱۳۸۳: ۱۵۷). تعادل بازار جایی است که عرضه و تقاضای نیروی کار برابرند. از نگاه آنان همواره اقتصاد در حد اشتغال کامل یا بالقوه آن است. بدین جهت نیازی به استفاده از سیاست‌های پولی و مالی برای رساندن اقتصاد به اشتغال کامل وجود ندارد (رحمانی، ۱۳۸۹: ۸۰-۳۰).

یکی از مشخصات مهم مدل نئو کلاسیک‌ها این است که در این مدل می‌توان حرکت منابع تولید (مهاجرت سرمایه و نیروی کار) را در بین مناطق بررسی کرد و این امر تأثیر زیادی بر رشد مناطق خواهد داشت. بنابر نظر نئو کلاسیک‌ها، سرمایه و نیروی کار به سوی مناطقی می‌روند که نرخ بازگشت بیشتری داشته باشند. تولیدکنندگان همواره به دنبال نقاطی می‌گردند که سودشان را بیشتر کند و نیروی کار نیز در جست‌وجوی مناطقی است که دستمزد بیشتری می‌پردازند. بنابراین نابرابری‌های رشد در مناطق تنها به علت تفاوت‌های نرخ رشد درونی منطقه نیست، بلکه به سبب عدم تحرک منابع نیز می‌باشد. در این راستا بهبود خدمات اطلاعاتی، کاهش هزینه‌های جست‌وجوی شغل با افزایش منافع آن از طریق حذف مقرری‌های بیکاری از جمله اقدامات مورد حمایت نئو کلاسیک‌هاست (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۲۲۹).

از سوی دیگر کینزین‌ها معتقدند بازار کار با وجود انحصارات، بازاری ناکامل است و تعدیل خود به خودی در آن صورت نمی‌گیرد. بنابراین تعدیل‌هایی از جانب دولت در کل مخارج دولتی لازم است تا سطح قابل قبولی از اشتغال حفظ شود. آنها افزایش تقاضای مؤثر یا تقاضای کل را برای افزایش اشتغال لازم می‌دانند. کاهش مالیات‌ها، افزایش عرضه پول، افزایش خرید کالا و خدمات توسط دولت و حتی استخدام مستقیم بیکاران توسط دولت از اقدامات مورد حمایت کینزین‌هاست (براون و هاس، ۱۹۸۷: ۴۷۲). با توجه به آنچه گفته

1. Neo Classic
2. Neo Cannesian
3. Institutional
4. Browne and Hass

شد، دیدگاه‌های مذکور مسیری افراطی را پیموده‌اند. در یک حد افراطی تغییر در سطح قیمت‌های واقعی، اثری روی اشتغال تعادلی ندارد و از سوی دیگر تغییر مذکور سطح اشتغال را به‌طور کامل تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (برانسون، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

برخلاف دیدگاه نئوکلاسیک‌ها، نهادگرایان، خواهان افزایش حضور مؤثر دولت جهت شکل‌دهی و حمایت از نهادهای اجتماعی و اقتصادی می‌باشند (هیکو، ۱۹۹۹: ۳۹۵-۳۸۳). در واقع نهاد دولت حکم‌متنی را دارد که تحولات اجتماعی در بستر آن انجام می‌پذیرد (زمانی، ۲۰۰۷: ۷۶). به اعتقاد نهادگرایان، رویکرد نئوکلاسیک، رفتار انسان‌ها را در مدل‌های مرسوم خود بسیار ساده‌انگارانه در نظر گرفته است (نورث، والیس و وینگست، ۲۰۰۶: ۱۷-۲۰)، در حالی که در عالم واقع، انگیزه‌های کنشگران اقتصادی بسیار پیچیده‌تر از آن است که در مدل‌های انتزاعی نئوکلاسیک فرض می‌شود. نهادگرایان به‌جای اینکه پدیده‌های اقتصادی را در چارچوب یک نظم متوازن و مبتنی بر همکاری ناشی از عملکرد آزادانه معاملات اقتصادی بدانند، تأکید بیشتر بر تعارض و تضاد در فضای اقتصادی دارند. بنابراین تضاد ذاتی موجود در روابط اقتصادی، باید با ساختار بندی نهادها و طراحی و ایجاد یک مکانیسم کنترل اجتماعی (نظام حقوقی اجتماعی) جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی کانالیزه گردد (استیون، مودما و مرکور، ۲۰۰۳: ۴۵۰). در واقع، نهادها، زیرمجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی و سازمان‌ها، زیرمجموعه‌ای از نهادها می‌باشند (هادگسون، ۲۰۰۷: ۹۷). از نظر پارسونز یک نظام کنشی نهادینه، به گستره‌ای گفته می‌شود که در آن کنشگران در یک ارتباط مداوم هستند و کنش آنها به‌سوی یک مجموعه عام از استانداردهای هنجاری و الگوهای ارزشی جهت می‌یابد (صناعی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۴). لذا نهادها با ارائه ساختارهایی برای زندگی روزمره، عدم اطمینان را کاهش داده و تعیین‌کننده عملکرد اقتصاد در بلندمدت می‌باشند (نورث، ۱۳۸۵: ۲۰).

در نگرش نهادگرا، توسعه در پاسخ به تکامل تدریجی نهادهای حمایتی، اجتماعی و تجارت ایجاد می‌گردد. بنابراین میزان موفقیت برنامه‌های توسعه در گرو شناخت آنها از نهادهای موجود و پیش‌بینی مکانیسم‌هایی برای متناسب‌سازی نهادها از طریق برنامه‌ریزی

1. Heico
2. North Wallis and Weingest
3. Steven, Modema and Mercurio
4. Hodgson

و دخالت هوشمندانه دولت برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های دنیای مدرن می‌باشد (متوسلی و فتح‌اللهی، ۱۳۸۹: ۴۷). لذا رویکرد نهادگرا بر سامان‌دهی و توسعه بخش‌های اقتصادی مبتنی بر تغییرات ساختاری و بنیانی، بهبود ساختارها و ایجاد عرصه‌ای رقابتی در جهت توسعه بخش‌های اقتصادی یک منطقه تأکید دارد (نورث، ۲۰۰۴: ۸۰). در این راستا می‌توان براساس نتایج حاصل از تحلیل مدل تغییر سهم، عوامل اثرگذار بر رشد واقعی اشتغال منطقه (تغییرات ساختاری و رقابتی) را شناسایی و در جهت بهبود آن گام برداشت. مبتنی بر این رویکرد، تأکید بر دانش بومی مناطق، کنش جمعی و فرایندهای نهادسازی مورد توجه قرار گرفته و ضمن توجه به جنبه‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مشارکتی، تأکید خاصی بر فنون برنامه‌ریزی شده مبتنی بر کنش‌ها و تصمیمات جمعی را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. در این رویکرد باور اساسی به توسعه درون‌زا و از پایین به بالاست و لذا ترغیب عقلانیت منطقه‌ای و ارتقای توان یادگیری توسعه و تولید دانش را به‌عنوان یک الزام انکارناپذیر برای توسعه منطقه مورد تأکید قرار می‌دهد. در این رویکرد تأکید می‌شود که صرف وجود نهادها و تعاملات میان نهادها، عامل توسعه منطقه‌ای نیست، بلکه میزان توانایی این نهادها برای پیش‌بینی، تعقیب و سازگاری با تحولات بیرون و درون منطقه است که منجر به توسعه مناطق می‌گردد و بر همین اساس بر یادگیری و توان انطباق، تأکید فوق‌العاده می‌ورزد. هر قدر ناحیه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار باشد و وسایل ارتباطی، حیات اقتصادی ناحیه را تقویت کنند، ورود آن به فضای ملی و ایفای نقش در ابعاد گسترده‌تر، بهتر انجام خواهد گرفت (آسایش و استعلاجی، ۱۳۸۲: ۴۲).

۲. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و جهت گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از شیوه اسنادی - کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. محدوده مورد مطالعه شهرستان بیرجند و جامعه آماری گروه‌های عمده فعالیت در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در سه سطح شهرستان بیرجند، استان خراسان جنوبی و ایران می‌باشد. در این تحقیق به‌منظور بررسی وضعیت اشتغال و علت‌یابی رشد مثبت یا منفی اشتغال در بخش‌های مختلف و تعیین مزیت نسبی محدوده مورد مطالعه، به سه رویکرد نئوکلاسیک، نئوکینزین و نهادگرا استناد

شده است. در تبیین دیدگاه نئو کلاسیک از مدل تحلیل موقعیت اقتصادی، برای رویکرد نئو کینزین از مدل اقتصاد پایه و برای رویکرد نهاد گرا از مدل تغییر سهم استفاده شده است.

۲-۱. معرفی مدل های مورد استفاده

۲-۱-۱. مدل تحلیل موقعیت اقتصادی

روش تحلیل موقعیت اقتصادی به منظور شناخت و پیش بینی سهم بخش های اقتصادی منطقه در مقایسه با کشور به کار گرفته می شود. در این روش تغییرات ایجاد شده در درآمد و اشتغال محلی در ارتباط با تحول اقتصادی کشور بر سهم هر یک از عوامل مؤثر در تغییر ساختار اقتصادی محلی مشخص می گردد. برای به کارگیری این روش از تکنیک ترسیمی طولی عرضی ایزارد استفاده می شود. این روش تفاوت رشد در بخش های اقتصادی محلی را در قیاس با رشد همان بخش ها در سطح ملی مدنظر دارد. این تفاوت ها که ممکن است مثبت یا منفی باشد بیانگر تغییر موقعیت یا جابه جایی سهم اقتصاد محلی در اقتصاد ملی است (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۹۲).

۲-۱-۲. مدل تغییر سهم

این روش، رشد اقتصاد یک منطقه (از نظر اشتغال) را ناشی از سه عامل رشد ملی، رشد ناشی از مزیت رقابتی و رشد ساختاری در اثر تجمع صنعتی (ترکیب فعالیت ها) می داند.

الف) رشد ملی: این رشد نشان دهنده سهم منطقه از رشد ملی است که درجه تغییر در رشد یک منطقه را در ارتباط با منطقه ای بزرگ تر می سنجد. رشدی که از این طریق اندازه گیری می شود در حقیقت رشد و یا رکودی است که تحت تأثیر رشد در کل کشور و به فرض ثابت بودن سایر عوامل نصیب فعالیت منطقه می شود. به این ترتیب که اگر اشتغال در کل کشور افزایش یا کاهش پیدا کند، انتظار می رود که این مسئله اثرات مشابه مثبت یا منفی بر روی رشد اشتغال در سطح منطقه بگذارد.

ب) رشد رقابتی: تغییرات رقابتی یا به عبارت دیگر رشد ناشی از ویژگی های منطقه یا استان مربوطه است. این ویژگی ها تحت تأثیر امتیازات خاص هر استان شامل خصوصیات جغرافیایی، منابع طبیعی و موقعیت سیاسی - اقتصادی می باشند. تغییرات رقابتی مربوط به کلیه عوامل در منطقه به غیر از عامل تجمع صنعتی است، لذا این جزء به نحوی قدرت رقابتی بهتر و یا امتیازات مکانی بهتر یک منطقه را نسبت به سایر مناطق نشان می دهد.

این جزء می‌تواند به تصمیم‌گیران منطقه‌ای برای تشخیص صنایعی که منطقه در آن مزیت دارد و تشخیص این موضوع که آیا مزیت رقابتی منطقه در مسیر رشد اقتصاد منطقه حرکت می‌کند یا خیر، کمک کند. یک سهم رقابتی مثبت بیان‌کننده مزیت نسبی یک منطقه در یک بخش اقتصادی خاص است و یک سهم رقابتی منفی بیان‌کننده نداشتن یا از دست دادن مزیت نسبی در یک بخش اقتصادی است (صادقی شاهدانی و غفاری فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

ج) رشد ساختاری (ترکیب صنایع یا تجمع صنعتی): این رشد، ترکیب صنایع، نوع ساختار و تجمع صنایع هر استان یا شهرستان در زمینه شاخص مورد مطالعه در مقایسه با ترکیب صنایع در سطح کشور را نشان می‌دهد. البته فرض مهمی که در اینجا وجود دارد این است که باید ترکیب صنایع در سطح کشور مطلوب باشد. هر استانی که تغییرات ساختاری مثبت داشته باشد به معنی دارا بودن صنایع یا فعالیت‌های اقتصادی با رشد سریع در زمینه اشتغال است. اما اگر استانی دارای تغییرات ساختاری منفی باشد، دارای ترکیب صنایع نامطلوب با رشد کند است. به‌طور کلی می‌توان گفت منطقه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی با نرخ رشد بالا را در خود متمرکز ساخته دارای رشد ساختاری مثبت و منطقه‌ای که در آن فعالیت‌های اقتصادی با رشد کم متمرکز شده‌اند، با تغییرات ساختاری منفی روبه‌رو است (سبحانی و درویشی، ۱۳۸۴: ۱۷۱-۱۶۹). لذا تحلیل اقتصاد منطقه با استفاده از سه عامل صورت می‌گیرد: ۱. سهم ملی^۱، ۲. تغییرات ساختاری^۲، ۳. تغییرات رقابتی^۳.

درواقع وضعیت اشتغال مناطق حاصل جمع این سه عامل می‌باشد. به‌دست آوردن این سه عامل مشروط به داشتن چند داده آماری و انجام دادن چند مرحله است:

- داده اول: تعداد کل شاغلان ناحیه مورد مطالعه در ابتدا و انتهای دوره مورد بررسی،
 داده دوم: تعداد کل شاغلان در سطح مرجع در ابتدا و انتهای دوره مورد بررسی،
 داده سوم: تعداد شاغلان به تفکیک گروه‌های شغلی ناحیه مورد مطالعه در ابتدا و انتهای دوره مورد بررسی،
 داده چهارم: تعداد شاغلان به تفکیک گروه‌های شغلی در سطح مرجع در ابتدا و انتهای دوره مورد بررسی.

مرحله اول: محاسبه تغییر کل اشتغال مرجع

-
1. National Share (NS)
 2. Industry Shift (IS)
 3. Regional Shift (RS)

(تعداد کل شاغلان سطح مرجع در سال پایه - تعداد کل شاغلان سطح مرجع در سال مورد بررسی)

(تعداد کل شاغلان سطح مرجع در سال پایه)

مرحله دوم: عدد حاصل از مرحله قبل را در تعداد شاغلان (گروه‌های شغلی مورد بررسی) محلی در سال پایه ضرب کرده، عدد حاصل همان NS یا سهم ملی می‌باشد.

مرحله سوم: محاسبه تغییر گروه شغلی مورد بررسی در سطح مرجع

(تعداد شاغلان گروه شغلی مرجع در سال پایه - تعداد شاغلان گروه شغلی مرجع در سال مورد بررسی)

(تعداد شاغلان گروه شغلی مرجع در سال پایه)

مرحله چهارم: عدد حاصل از مرحله اول را از عدد حاصل از مرحله سوم کم می‌کنیم. مرحله پنجم: عدد حاصل از مرحله قبل را در تعداد شاغلان گروه شغلی سطح محلی در سال پایه ضرب می‌کنیم. عدد به دست آمده همان IS می‌باشد.

مرحله ششم: به دست آوردن تغییرات اشتغال در گروه‌های شغلی سطح محلی (تعداد شاغلان گروه شغلی سطح محلی در سال پایه - تعداد شاغلان گروه شغلی سطح محلی در سال مورد بررسی)

مرحله هفتم: به دست آوردن تغییرات رقابتی منطقه

NS-IS - عدد حاصل از مرحله قبل

۳-۱-۲. مدل اقتصاد پایه

از لحاظ نظری اقتصاد منطقه به دو بخش تقسیم می‌شود: فعالیت‌های پایه‌ای و فعالیت‌های غیرپایه‌ای. فعالیت‌های پایه‌ای، فعالیت‌هایی هستند که کالا و خدمات را به خارج از محدوده اقتصاد جامعه صادر می‌کنند و یا کالاها و خدماتشان را به افرادی عرضه می‌کنند که از خارج از مرزهای اقتصادی جامعه آمده‌اند. فعالیت‌های غیرپایه‌ای، آنهایی هستند که نیازهای ساکنین داخل محدوده اقتصادی جامعه را تأمین می‌کنند. فعالیت‌های غیرپایه‌ای یا تبعی هیچ کالا و خدمات تمام شده‌ای را صادر نمی‌کنند، بلکه هم از نظر تولید و هم از نظر بازار محلی هستند. معمولاً با افزایش فعالیت‌های پایه در یک منطقه جریان درآمد منطقه افزایش می‌یابد. این افزایش موجب ازدیاد

تقاضا برای کالا و خدمات در درون آن منطقه شده و در نتیجه افزایش فعالیت‌های غیر پایه‌ای در منطقه را موجب می‌گردد. برعکس با کاهش فعالیت‌های پایه‌ای، درآمد منطقه نیز کم شده و میزان تقاضا برای فعالیت‌های غیر پایه‌ای نقصان می‌یابد. بدین ترتیب فعالیت‌های پایه‌ای محرک اصلی در هر تغییری به حساب می‌آیند و روی اقتصاد منطقه تأثیر افزایشی دارند (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

برای به دست آوردن نسبت مکانی (LQ) هر صنعت، می‌توان از این رابطه استفاده کرد:

$$\frac{\text{(کل شاغلان محلی / تعداد شاغلان محلی در یک گروه شغلی)}}{\text{(کل شاغلان مرجع / تعداد شاغلان مرجع در همان گروه شغلی)}}$$

این نسبت اگر برابر یک باشد، بدین معنی است که مصرف آن کالای خاص در منطقه برابر با تولید آن کالا است و در نتیجه هیچ‌یک از کارکنان، کالا و خدمات خاصی را به‌عنوان صادرات تولید نمی‌کنند. اگر LQ مساوی ۵ باشد تولید آن کالای خاص ۵ برابر مصرف محلی است و بنابراین تنها یک پنجم کارکنان آن صنعت برای بازار داخلی و چهار پنجم برای بازار صادراتی تولید می‌کنند. مخرج کسر (سهم اشتغال ملی از تولید کالایی خاص) برای نشان دادن این که چقدر از تولید محلی باید برای رفع نیازها و تقاضای داخلی تخصیص داده شود، معیاری را تعیین می‌کند. به‌طور نمونه اگر ۱ درصد از اشتغال ملی در این صنعت یا تولید کالایی خاص در صنعتی خاص باشد، منطقه نیز تنها لازم است که ۱ درصد از اشتغال خود را در این صنعت برای رفع تقاضای منطقه اختصاص دهد. حال اگر اشتغال واقعی در این صنعت ۶ درصد کل اشتغال در منطقه باشد (صورت کسر ۰/۰۶)، یک ششم از نیروی کار برای مصرف منطقه تولید می‌کنند و پنج ششم دیگر برای صادرات. برای هر صنعت خاص، نسبت مکانی تخمینی را از اشتغال در بخش صادراتی مشخص می‌کند. اگر T_i کل اشتغال در صنعت i و L_i نسبت مکانی آن صنعت باشد. میزان اشتغال صادراتی در آن صنعت برابر خواهد بود با:

$$X_i = (L_i - 1/L_i) \times T_i$$

برای مثال اگر $L_i = 4$ و $T_i = 800$ و X_i برابر با ۶۰۰ شود، یعنی سه چهارم کارکنان آن صنعت برای صادرات تولید می‌کنند. کل اشتغال صادراتی منطقه را می‌توان از مجموع اشتغال‌های صادراتی در صنایع مختلف به دست آورد. ضریب اشتغال مساوی کل اشتغال تقسیم بر اشتغال صادراتی است (صبغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

۴-۱-۲. مدل تحلیلی سوات

تکنیک یا ماتریس سوات (SWOT)، ابزاری برای شناخت تهدیدها^۱ و فرصت‌های^۲ موجود در محیط خارجی یک سیستم و بازشناسی ضعف‌ها^۳ و قوت‌های^۴ داخلی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد برای هدایت و کنترل آن سیستم است. این مدل یک نوع تجزیه و تحلیل سازمانی است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا بتوانند منابع داخلی خود را در دوره‌های قدرت و ضعف تجزیه و تحلیل کرده و آنها را در برابر محیط خارجی در دوره‌های فرصت و تهدید با هم هماهنگ کنند. این روش بهترین استراتژی برای سازمان‌دهی فضاست (مرادی مسیحی، ۱۳۸۱: ۴۰). در واقع برحسب وضعیت سیستم چهار دسته راهبرد می‌توان تدوین کرد:

۱. **راهبرد تدافعی (WT):** هدف کلی راهبرد دفاعی یا حداقل حداقل که می‌توان آن را راهبرد «بقا» نیز نامید، کاهش ضعف‌های سیستم برای کاستن و خنثی‌سازی تهدیدهاست. در این راهبرد تأکید بر رفع آسیب‌پذیری منطقه مورد مطالعه است.

۲. **راهبرد رقابتی (WO):** راهبرد انطباقی یا حداقل حداکثر تلاش دارد تا با کاستن از ضعف‌ها بتواند حداکثر استفاده را از فرصت‌های موجود ببرد.

۳. **راهبرد محافظه کارانه (ST):** این راهبرد مبتنی بر حداکثر حداقل در تنوع‌بخشی بر نقاط قوت درونی و تهدیدهای بیرونی متمرکز بوده و بر پایه بهره‌گرفتن از قوت‌های سیستم برای مقابله با تهدیدات تدوین می‌شود و هدف آن به حداکثر رساندن نقاط قوت و به حداقل رساندن تهدیدات است.

۴. **راهبردهای تهاجمی (SO):** در این راهبردها تمرکز بر حداکثر حداکثر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی استوار است. در چنین وضعیتی سازمان با استفاده از نقاط قوت خویش برای گسترش بازار تولیدات و خدمات خود گام برمی‌دارد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۳).

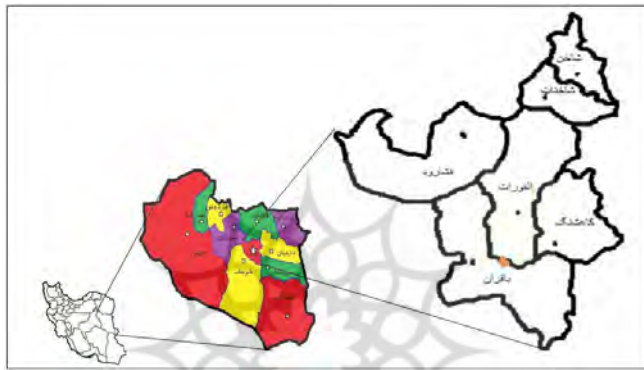
۳. معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه شهرستان بیرجند، مرکز استان خراسان جنوبی است که در طول شرقی

1. Threats
2. Opportunity
3. Weaknesses
4. Strength

۵۸ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۴۰ دقیقه و عرض شمالی ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۳۵ دقیقه گسترده شده است. براساس آخرین تقسیمات کشوری، مشتمل بر شهر بیرجند با ۱۷۸۰۲۰ نفر جمعیت و ۶ دهستان القورات، باقران، شاخن، شاخنت، فشارود و کاهشنگ با ۷۴۸۵۹ نفر جمعیت می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲).

شکل ۱. محدوده مورد مطالعه



مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۹۱).

براساس نتایج آماری سال ۱۳۹۰، نرخ مشارکت اقتصادی شهرستان بیرجند ۴۰/۵۲ درصد بوده که در مقایسه با سال ۱۳۸۵ حدود ۳ درصد کاهش داشته است. با این وجود از ۸۶۳۴۱ نفر جمعیت فعال حدود ۹۲ درصد شاغل بوده اند و نرخ بیکاری ۸/۲ درصد بوده است.

جدول ۲. مقایسه تعداد شاغلان شهرستان بیرجند در دوره آماری ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

به تفکیک گروه‌های عمده شغلی

شهرستان بیرجند						گروه‌های شغلی
۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۸/۵۲	۱۴۷۷۳	۱۶/۹۱	۱۲۴۲۷	۳۰/۹۷	۱۸۹۵۸	کشاورزی
۲۲/۵۳	۱۷۹۶۶	۲۵/۵۶	۱۸۷۷۹	۴۱/۸۱	۲۵۵۹۰	صنعت
۵۸/۹۳	۴۶۹۹۴	۵۷/۵۱	۴۲۲۴۹	۵۲/۳۳	۳۲۰۲۸	خدمات
۱۰۰	۷۹۷۳۳	۱۰۰	۷۳۴۵۵	۱۰۰	۶۱۲۰۰	کل

مأخذ: همان.

آن گونه که در جدول ۲ آمده است، تعداد شاغلین در سال ۱۳۸۵ نسبت به ۱۳۷۵ حدود ۲۰ درصد و در سال ۱۳۹۰ نسبت به ۱۳۸۵ حدود ۹ درصد افزایش داشته است. همچنین در دوره آماری مورد بررسی بخش خدمات بیشترین تعداد شاغلان و بخش کشاورزی کمترین تعداد شاغلان را داشته است.

۳-۱. یافته‌های تحقیق

۳-۱-۱. تحلیل موقعیت اقتصادی

جدول ۳. تعداد شاغلان گروه‌های عمده شغلی در سطح شهرستان، استان و کشور در

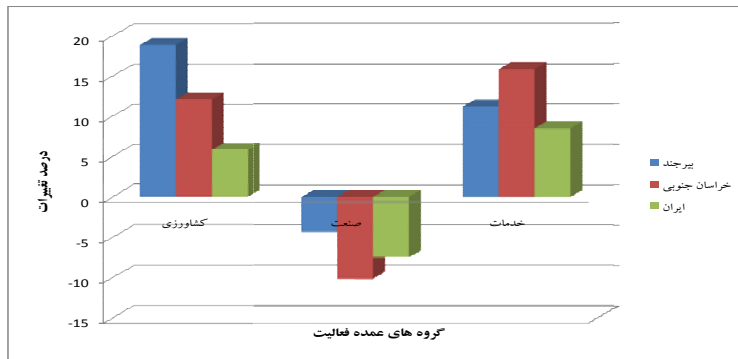
دوره‌های آماری ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

گروه‌های شغلی	بیرجند			خراسان جنوبی			ایران		
	درصد تغییرات ۷۵ به ۸۵	درصد تغییرات ۸۵ به ۹۰	۱۳۹۰	درصد تغییرات ۷۵ به ۸۵	درصد تغییرات ۸۵ به ۹۰	۱۳۹۰	درصد تغییرات ۷۵ به ۸۵	درصد تغییرات ۸۵ به ۹۰	۱۳۹۰
کشاورزی	۱۸۹۵۸	۱۲۴۲۷	۱۴۷۷۳	۳۴/۴۴	۱۸/۸۷	۵۷۹۸۰	۶۵۹۰۲	۷۳۹۱۴	۱۱/۳۶
صنعت	۲۵۵۹۰	۱۸۷۷۹	۱۷۹۶۶	۲۶/۶۱	۴/۳۲	۴۲۲۶۰	۴۸۵۶۴	۴۳۶۳۸	۱۴/۹۱
خدمات	۲۶۴۴۰	۲۹۱۴۷	۴۶۹۹۴	۳۱/۹۱	۱۱/۲۳	۴۴۶۵۶	۷۶۴۹۲	۹۱۴۱۱	۷/۰۷
جمع	۷۱۸۲۴	۷۱۳۲۴	۷۹۷۳۳	۴/۰۷	۸/۵۴	۱۴۶۶۵۹	۱۹۳۳۶۲	۲۰۸۹۶۳	۳۲/۰۲
	۱۸۹۵۸	۱۲۴۲۷	۱۴۷۷۳	۳۴/۴۴	۱۸/۸۷	۵۷۹۸۰	۶۵۹۰۲	۷۳۹۱۴	۱۱/۳۶
	۲۵۵۹۰	۱۸۷۷۹	۱۷۹۶۶	۲۶/۶۱	۴/۳۲	۴۲۲۶۰	۴۸۵۶۴	۴۳۶۳۸	۱۴/۹۱
	۲۶۴۴۰	۲۹۱۴۷	۴۶۹۹۴	۳۱/۹۱	۱۱/۲۳	۴۴۶۵۶	۷۶۴۹۲	۹۱۴۱۱	۷/۰۷
	۷۱۸۲۴	۷۱۳۲۴	۷۹۷۳۳	۴/۰۷	۸/۵۴	۱۴۶۶۵۹	۱۹۳۳۶۲	۲۰۸۹۶۳	۳۲/۰۲
	۳۳۵۸۰۰۰	۳۶۸۶۷۴۷	۳۹۰۲۴۰۳	۳۶/۸۶	۱۸/۸۷	۵۷۹۸۰	۶۵۹۰۲	۷۳۹۱۴	۱۱/۳۶
	۴۴۷۳۰۰۰	۴۴۹۳۳۹۸	۶۰۰۵۷۰۵	۲۶/۶۱	۴/۳۲	۴۲۲۶۰	۴۸۵۶۴	۴۳۶۳۸	۱۴/۹۱
	۶۴۸۴۰۰۰	۹۸۰۸۶۹۱	۱۰۶۳۸۷۶۶	۳۱/۹۱	۱۱/۲۳	۴۴۶۵۶	۷۶۴۹۲	۹۱۴۱۱	۷/۰۷
	۱۴۵۷۲۰۰۰	۲۰۴۶۸۷۴۲	۲۰۵۴۶۸۷۴۲	۴۰/۵۱	۸/۵۴	۱۴۶۶۵۹	۱۹۳۳۶۲	۲۰۸۹۶۳	۳۲/۰۲

مأخذ: همان.

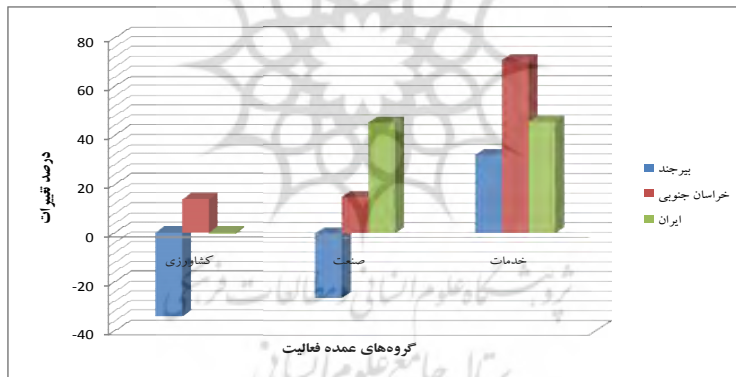
با توجه به مندرجات جدول ۳ و اشکال شماره ۲ و ۳ در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ متوسط رشد اقتصادی (اشتغال) شهرستان بیرجند منفی بوده است.

شکل ۲. تحلیل موقعیت اقتصادی شهرستان بیرجند در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

شکل ۳. تحلیل موقعیت اقتصادی شهرستان بیرجند در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰



مأخذ: همان.

طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ متوسط رشد اقتصادی (اشتغال) بیرجند به ۸/۵۴ درصد می‌رسد که به علت تغییرات مثبت بخش کشاورزی و خدمات بوده است. در سطح استان نیز رشد بخش خدمات نسبت به متوسط رشد اقتصادی استان در هر دو دوره مورد بررسی بیشتر بوده است. در سطح ملی، بخش کشاورزی و خدمات از رشد مثبتی برخوردار بوده و در طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بخش کشاورزی در سطح ملی رشد منفی داشته است. اما در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ حدود ۶ درصد رشد مثبت داشته است.

در مجموع بررسی متوسط رشد اقتصادی (اشتغال) در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ حاکی از آن است که رشد اقتصادی (اشتغال) در سطح ملی و سطح استانی کاهش پیدا کرده است، ولی در سطح محلی از روند مثبتی برخوردار بوده است.

۱-۱-۳. بررسی نتایج مدل تغییر سهم

با توجه به جدول ۴، رشد شاغلان بخش کشاورزی و صنعت در شهرستان با سهم ملی آن متناسب نبوده و کمتر می‌باشد که به علت تغییرات ساختاری و رقابتی منفی است، آن‌گونه که تغییرات ساختاری در بخش کشاورزی نشان می‌دهد، تمرکز شاغلان در این بخش با رشد کند همراه بوده و ترکیب فعالیت‌های بخش کشاورزی نسبت به سطح مرجع نامتناسب بوده است. تغییرات ساختاری نشان‌دهنده رشد کند فعالیت‌های کشاورزی است که می‌تواند ناشی از به کارگیری شیوه‌های سنتی ناکارآمد و یا تکنولوژی ناسازگار با شرایط محیطی و در نتیجه کاهش فرصت‌های اشتغال در دهه مورد بررسی باشد. تغییرات رقابتی منفی در سطح استان حاکی از کاهش قدرت رقابتی شهرستان در بخش کشاورزی استان است. این مسئله بیشتر به خاطر بروز پدیده خشکسالی و کاهش منابع آبی شهرستان می‌باشد.

جدول ۴. نتایج تغییر فرصت‌های شغلی با استفاده از روش تغییر سهم در شهرستان بیرجند نسبت به استان و کشور، دوره آماری ۱۳۸۵-۱۳۷۵

شهرستان نسبت به استان و کشور						گروه‌های عمده شغلی	
وضعیت اشتغال	تغییرات رقابتی		تغییرات ساختاری		سهم ملی		
	کشور	استان	کشور	استان	کشور		استان
کشاورزی	-۶۴۱۳/۴۷	-۹۱۲۱/۲۹	-۷۷۹۸/۵۶	-۳۴۸۱/۰۷	۷۶۸۱/۰۳۴	۶۰۷۱/۳۶	
صنعت	-۱۸۳۶۷/۴	-۱۰۶۲۸/۳۱	۱۱۸۸/۳۴	-۴۳۷۷/۹۸	۱۰۳۶۸/۰۶	۸۱۹۵/۲۹	
خدمات	-۴۳۴۳/۸۳	-۱۲۴۲۳/۶۰	۱۵۸۸/۳۴	۱۲۳۸۷/۵۳	۱۲۹۷۶/۴۸	۱۰۲۵۷/۰۸	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

تنها بخش خدمات است که رشد واقعی آن نزدیک به سهم استان و کشور (سهم ملی) می‌باشد و این رشد مثبت ناشی از شرایط خاص منطقه نیست (چون تغییرات رقابتی منفی می‌باشد)، بلکه به خاطر ترکیب فعالیت‌ها در بخش خدمات و تغییرات ساختاری مثبت آن می‌باشد. این مسئله بیانگر آن است که این بخش در حال از دست دادن مزیت نسبی اش در استان است. در صورتی که

در چشم انداز رشد منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، لذا با داشتن سهم رقابتی منفی، رشد واقعی آن نیز در بلندمدت کاهش خواهد یافت. در مقایسه با سطح کشور نیز بخش خدمات وضعیتی مشابه دارد. اما بخش صنعت با وجود رشد واقعی کمتر از سهم ملی در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵، عملکرد مثبتی از نظر تغییرات ساختاری در سطح کشور داشته است. با این حال به واسطه تغییرات رقابتی منفی مزیت نسبی خود را در سطح کشور از دست داده است.

اما تغییرات رخ داده در ۵ سال بعد (جدول ۵) حاکی از آن است که رشد اشتغال شهرستان بیرجند در بخش کشاورزی و خدمات بیشتر از رشد اشتغال مورد انتظار در سطح کشور و استان (سهم ملی) می‌باشد. به‌ویژه در مقایسه با سهم آن در سطح کشور که بخش خدمات ۴۷۴۵ و بخش کشاورزی ۲۳۴۶ فرصت شغلی در شهرستان ایجاد کرده است.

جدول ۵. نتایج تغییر فرصت‌های شغلی با استفاده از روش تغییر سهم در شهرستان بیرجند نسبت به استان و کشور، سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۵

وضعیت اشتغال	شهرستان نسبت به استان و کشور						گروه‌های عمده شغلی
	تغییرات رقابتی		تغییرات ساختاری		سهم ملی		
	کشور	استان	کشور	استان	کشور	استان	
۲۳۴۶	۱۶۱۹/۹۸	۸۳۵/۱۹	۶۸۳	۵۰۸/۲۳	۴۳/۰۱۳	۱۰۰۲/۵۸	کشاورزی
-۸۱۳	۵۹۶/۳۵	۱۰۹۱/۸۱	-۱۴۷۴/۳۵	-۳۴۱۹/۸۵	۶۵/۰۰	۱۵۱۵/۰۴	صنعت
۴۷۴۵	۱۱۵۹/۳۳	-۱۹۵۶/۱۹	۳۴۳۹/۴۳	۳۲۹۲/۶۶	۱۴۶/۲۳	۳۴۰۸/۵۳	خدمات

مأخذ: همان.

بخش صنعت شهرستان بیرجند طی مدت مورد بررسی رشدی کمتر از سهم استان و کشور (سهم ملی) داشته است که ناشی از تغییرات ساختاری منفی می‌باشد و حاکی از آن است که فعالیت صنعت در مقایسه با دیگر فعالیت‌ها رشد کندتری داشته است. با این حال تغییرات رقابتی پیش آمده در این دوره گویای آن است که شهرستان بیرجند در این بخش دارای مزیت نسبی می‌باشد و در صورت بروز تغییرات ساختاری مثبت، انتظار می‌رود که نقش مؤثری در رشد اشتغال منطقه داشته باشد.

در مجموع فعالیت‌های اقتصادی شهرستان بیرجند در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ در هر سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات نسبت به دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ به‌ویژه در مقایسه با سهم آن در سطح کشور که دارای مزیت نسبی نیز می‌باشد، روند رو به رشدی داشته است.

۲-۱-۱-۳. بررسی نتایج مدل اقتصاد پایه

بررسی ضریب مکانی بخش‌های اقتصادی در شهرستان بیرجند حاکی از آن است که در سطح استان فعالیت بخش صنعت و خدمات فعالیت پایه منطقه می‌باشد، بخش کشاورزی با اینکه می‌تواند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی منطقه داشته باشد، اما هنوز به حد خودکفایی نرسیده است. با استفاده از داده‌های سطح کشور فعالیت‌های بخش خدمات بیرجند دارای مزیت نسبی می‌باشد و بخش صنعت نیز در سال ۱۳۷۵ فعالیت پایه بوده اما در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ضریب مکانی آن کاهش یافته که متأثر از تغییرات ساختاری ذکر شده در مدل تغییر سهم بوده است. با این وجود شهرستان بیرجند در بخش صنعت قابلیت‌های صادراتی دارد و می‌توان با ارتقای فعالیت‌های صنعتی شهرستان و ایجاد فرصت‌های شغلی و مزیت‌های رقابتی برای آن در سطح استان، گامی در جهت توسعه اقتصادی این شهرستان برداشت.

در سال ۱۳۸۵ تعداد شاغلان کارگاه‌های صنعتی ۲۷۰۵ نفر بوده که ۷۳ درصد کل شاغلان کارگاه‌های صنعتی استان را شامل می‌شود و ۶۱/۴ درصد ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی استان را ایجاد کرده است (معاونت برنامه‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۳۸۷). علاوه بر این بخشودگی هزینه‌های ناشی از تغییر کاربری اراضی به صنعتی، فراهم کردن امکان صادرات مواد معدنی، تبدیل دانشگاه صنایع و معادن استان به دانشگاه صنعتی شرق کشور از جمله فرصت‌های پیش رو برای توسعه این بخش می‌باشد.

جدول ۶. نتایج تحلیل اقتصاد پایه در شهرستان بیرجند نسبت به استان و کشور، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		گروه شغلی / سطح مرجع
کشور	استان	کشور	استان	کشور	استان	
۰/۹۸	۰/۵۲	۰/۹۴	۰/۵۰	۰/۹۷	۰/۶۳	کشاورزی
۰/۷۷	۱/۰۸	۰/۸۱	۱/۰۲	۱/۰۹	۱/۱۶	صنعت
۱/۱۴	۱/۳۵	۱/۲۰	۱/۴۱	۰/۹۰	۱/۳۳	خدمات

مأخذ: همان.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۶ بخش صنعت در سطح استان و بخش خدمات در سطح استان و کشور دارای مزیت نسبی می‌باشد و قابلیت‌های صادراتی برای شهرستان بیرجند فراهم کرده است. لذا براساس رابطه شماره ۱ (میزان اشتغال صادراتی) می‌توان اذعان

داشت که اگر فعالیت‌های بخش صنعت و خدمات که دارای مزیت نسبی در منطقه است، احیا و توسعه یابد باعث ایجاد ۱۳۳۰ فرصت شغلی صنعتی در سطح استان، ۱۲۱۸۳ فرصت شغلی خدماتی در سطح استان و ۵۷۷۱ فرصت شغلی خدماتی در سطح ایران خواهد شد.

$$Xi = (Li-1 / Li) \times Ti$$

رابطه ۱ (میزان اشتغال صادراتی)

Li = ضریب مکانی بخش‌هایی که دارای مزیت نسبی هستند

$Ti=90$ تعداد شاغلان در بخش‌های دارای مزیت نسبی در سال

بخش صنعت در سطح استان = $1330 = 17966 \times (1.08 - 1 / 1.08)$

بخش خدمات در سطح استان = $12183 = 46994 \times (1.35 - 1 / 1.35)$

بخش خدمات در سطح کشور = $5771 = 46994 \times (1.14 - 1 / 1.14)$

حال با در نظر گرفتن این که بخش صنعت و خدمات به‌عنوان فعالیت پایه معرفی شده است، در ادامه، تحلیل مختصری از زیربخش‌های صنعت و خدمات در شهرستان بیرجند صورت گرفته است.

۳-۲. تحلیل بخش‌های دارای مزیت نسبی

۳-۲-۱. بخش خدمات

جدول ۷. نتایج تحلیل اقتصاد پایه بخش خدمات در شهرستان بیرجند نسبت به استان و

کشور، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

نامشخص	پروژه‌ریزی	فعالیت خانواری	سایر خدمات	مدد کاری	آموزشی و علمی	عمومی و دفاع	فعالیت اداری	املاک و مستغلات	مالی و بیمه	تأمین جا و غذا	حمل و نقل و ارتباطات	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	زیربخش خدمات	سطح مرجع
۰/۷۷		۰/۷۹	۱/۰۶	۰/۸۸	۰/۹۲	۱/۱۱	۱/۰۱	۱/۰۶	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۸۸	۰/۹۷	۱۳۷۵	استان
۰/۷۵		۱/۴۹	۱/۹۲	۰/۹۹	۰/۹۰	۱/۱۹	۱/۴۵	۱/۲۵	۱/۰۷	۰/۸۹	۰/۷۲	۱	۱۳۸۵	
۰/۷۶		۰/۳۶	۱	۰/۹۷	۱/۰۲	۱/۱۹	۱/۳۱	۱/۴۱	۱/۱۷	۰/۹۹	۰/۸۵	۱/۰۲	۱۳۹۰	
۰/۶۸	۰	۰/۲۹	۰/۶۲	۰/۸۳	۱/۲۳	۱/۸۹	۰/۴۸	۰/۴۴	۰/۶	۰/۴۵	۰/۵۵	۰/۵۷	۱۳۷۵	کشور
۰	۰	۰/۷۵	۰/۵۵	۱/۰۶	۱/۲۴	۲/۱۱	۰/۸۱	۰/۵۱	۰/۹۶	۰/۵۵	۰/۵	۰/۶۲	۱۳۸۵	
۱/۰۸	۰	۰/۳۹	۰/۷۷	۰/۹۹	۱/۲۹	۱/۸۳	۰/۶۱	۰/۴۹	۱/۲۴	۰/۵۲	۰/۶	۰/۶۵	۱۳۹۰	

در بخش خدمات آن گونه که در جدول ۷ آمده است شهرستان بیرجند در زیربخش های عمده فروشی و خرده فروشی، مالی و بیمه، املاک و مستغلات، فعالیت اداری و پشتیبانی، امور عمومی و دفاع، فعالیت های آموزشی و علمی در سطح استان و در زیربخش های مالی و بیمه، امور عمومی و دفاع، آموزش و مددکاری در سطح کشور دارای مزیت نسبی می باشد.

جدول ۸. نتایج تغییر فرصت های شغلی با استفاده از روش تغییر سهم زیربخش های خدمات در شهرستان بیرجند نسبت به استان و کشور، دوره آماری ۱۳۸۵-۱۳۷۵

شهرستان نسبت به استان و کشور							گروه شغلی
وضعیت اشتغال	تغییرات رقابتی		تغییرات ساختاری		سهم ملی		
	کشور	استان	کشور	استان	کشور	استان	
۲۴۹۱	-۲۳۶/۲۰	-۱۸۸۹/۴۴	۴۰۷/۹۶	۷۷۴/۶۱	۲۳۱۹/۲۴	۳۶۰۵/۸۳	عمده فروشی و خرده فروشی
۶۸۸	۳۵۲/۵۱	-۱۵۴	۱۳۷/۶۷	۵۳۴/۴۴	۱۹۷/۸۲	۳۰۷/۵۶	مالی و بیمه
۶۶۶	۵۶/۳۰	-۹۹/۴۹	۴۶۹/۱۹	۵۴۷/۰۲	۱۴۰/۵۲	۲۱۸/۴۷	املاک و مستغلات
-۶۲	۴/۷۹	۱/۴۵	-۱۰۱/۳۵	-۱۱۷/۱۸	۳۴/۵۶	۵۳/۷۳	دفاتر اداری
۱۶۱۶	۱۵۷/۷۰	-۳۴۲۵/۷	-۵۱۶۵/۱۸	-۲۵۵۶/۱۲	۶۶۲۳/۴۸	۱۰۲۹۷/۸۳	امور عمومی و دفاع
۱۱۵۳	-۶۷۶/۴۰	-۲۲۹۴/۹۲	-۹۲۸/۶۷	-۸۴۰/۱۹	۲۷۵۸/۰۸	۴۲۸۸/۱۱	آموزش

مأخذ: همان.

بر اساس نتایج مدل تغییر سهم در سال های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ (جدول ۸) رشد فرصت های شغلی در زیربخش های مالی و بیمه، املاک و مستغلات بیشتر از سهم مورد انتظار آن از رشد فرصت های شغلی در سطح استان و کشور بوده و با این وجود در این زیربخش ها مزیت رقابتی در سطح استان نداشته است. در سایر زیربخش ها نیز به علت تغییرات ساختاری منفی، رشد فرصت های شغلی منفی بوده است.

جدول ۹. نتایج تغییر فرصت‌های شغلی با استفاده از روش تغییر سهم زیربخش خدمات در شهرستان بیرجند نسبت به استان و کشور، دوره آماری ۱۳۸۵-۱۳۹۰

وضعیت اشتغال	شهرستان نسبت به استان و کشور					
	تغییرات رقابتی		تغییرات ساختاری		۱۳۸۵-۱۳۹۰	
	کشور	استان	کشور	استان	کشور	استان
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۴۲۷/۸۰	-۱۷۴/۳۳	-۱۴۶۴/۰۴	-۱۴۲۱/۶۹	۶۴۴/۲۵	۱۲۰۴/۰۲
مالی و بیمه	۴۳۰/۸۴	۹۱/۳۶	۱۲۵/۸۶	۳۸۲/۵۱	۹۵/۳۱	۱۷۸/۱۲
املاک و مستغلات	-۳/۴۲	۱۶/۵۸	-۸۳۸/۳۲	-۹۳۰/۲۳	۸۲/۷۵	۱۵۴/۶۵
دفاتر اداری	-۹۳/۶۳	-۴۷/۵۶	۳۸۹/۴۴	۳۴۲/۳۳	۱/۱۹	۲/۲۲
امور عمومی و دفاع	-۱۷۲۱/۱۸	-۵۶۷/۱۴	-۲۱۸۷/۱۰	-۴۵۳۴/۳۶	۱۳۷۳/۲۸	۲۵۶۶/۵۰
آموزش	۵۳۱/۱۹	۶۵۶/۳۲	۱۷۶/۲۲	-۴۸۱/۱۸	۶۱۲/۵۹	۱۱۴۴/۸۶

مأخذ: همان.

تحلیل تغییر سهم در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ (جدول ۹) نیز گویای آن است که رشد فرصت‌های شغلی در زیربخش‌های مالی و بیمه، دفاتر اداری و آموزش بیشتر از سهم آن در رشد فرصت‌های شغلی مورد انتظار در سطح استان و کشور بوده است. رشد منفی سایر زیربخش‌ها نیز به علت تغییرات ساختاری منفی بوده است. بررسی تغییرات رقابتی بیانگر آن است که شهرستان بیرجند در زیربخش‌های مالی و بیمه و آموزش دارای مزیت نسبی در سطح منطقه‌ای و ملی می‌باشد.

۲-۲-۳. بخش صنعت

جدول ۱۰. نتایج تحلیل اقتصاد پایه زیربخش‌های بخش صنعت در شهرستان بیرجند نسبت به استان و کشور، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

ساختمان	تأمین آب، برق، گاز	ساخت	معدن	زیربخش صنعت	
				سطح مرجع	
۰/۹۹	۰/۸۲	۱	۱/۱۵	۱۳۷۵	استان
۰/۹۹	۱/۱۶	۰/۹۹	۱/۰۹	۱۳۸۵	
۰/۹۴	۱/۲۴	۱/۰۳	۱/۰۸	۱۳۹۰	
۰/۵۶	۰/۲۶	۱/۳۳	۰/۸۷	۱۳۷۵	کشور
۰/۹۳	۱/۲۷	۱	۱/۷۱	۱۳۸۵	
۱/۰۷	۱/۲۸	۰/۹۰	۱/۳۵	۱۳۹۰	

مأخذ: همان.

با توجه به ضرایب مکانی زیربخش‌های صنعت در شهرستان بیرجند (جدول ۱۰) می‌توان اذعان داشت که با استفاده از داده‌های سطح استان، فعالیت‌های معدن، ساخت و تأمین آب، برق و گاز بیشترین مزیت نسبی و قابلیت صادراتی را در شهرستان بیرجند دارا می‌باشند. با استفاده از داده‌های سطح کشور نیز فعالیت‌های معدن، تأمین آب، برق و گاز و ساختمان از مزیت نسبی برخوردارند. از این رو با سرمایه‌گذاری و بهینه کردن زیرساخت‌ها در این زیربخش‌ها می‌توان شاهد تغییرات مثبت فعالیت‌های صنعتی در شهرستان بیرجند بود.

جدول ۱۱. نتایج تغییر فرصت‌های شغلی با استفاده از روش تغییر سهم در شهرستان بیرجند نسبت به استان و کشور، دوره آماری ۱۳۷۵-۱۳۸۵

شهرستان نسبت به استان						گروه شغلی	
وضعیت اشتغال	تغییرات رقابتی		تغییرات ساختاری		سهم ملی		
	کشور	استان	کشور	استان	کشور	استان	
۱۵۱	-۸/۷۳	-۴۸۹/۲۴	-۱۱۰/۷۷	۵۵۰/۸۸	۲۷۰/۵۱	۸۹/۳۵	معدن
-۹۳۶۸	-۱۶۴۸۶/۵۱	-۵۹۱۴/۵۲	-۱۶۷۴/۵۶	-۶۳۵۸	۸۷۹۳/۰۷	۲۹۰۴/۵۲	ساخت
۶۰۱	۴۹۰/۲۵	-۹۵/۹۶	۸/۶۹	۶۶۳/۲۵	۱۰۲/۰۶	۳۳/۷۱	تأمین آب، برق، گاز
۱۸۰۵	-۱۳۴۲/۵۲	-۴۰۲۹/۴۷	۷۵۶/۷۶	۵۰۴۴/۷۶	۲۳۹۰/۷۶	۷۸۹/۷۲	ساختمان

مأخذ: همان.

با توجه به نتایج مدل تغییر سهم در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ (جدول ۱۱) تنها در زیربخش ساخت، رشد اشتغال شهرستان منفی بوده که آن هم ناشی از تغییرات ساختاری و رقابتی است. همچنین هیچ کدام از زیربخش‌های صنعت در شهرستان بیرجند در طول این دوره مزیت نسبی نداشته‌اند.

جدول ۱۲. نتایج روش تغییر سهم در شهرستان بیرجند نسبت به استان و کشور، دوره آماری ۱۳۸۵-۱۳۹۰

شهرستان نسبت به استان						۱۳۸۵-۱۳۹۰	گروه شغلی
وضعیت اشتغال	تغییرات رقابتی		تغییرات ساختاری		سهم ملی		
	کشور	استان	کشور	استان	کشور	استان	
۰	-۱۶۵/۲۶	۳۸/۰۷	۲۲۱/۵۴	۳۸	-۵۶/۲۸	-۷۶/۰۷	معدن
-۱۸۶۱	-۶۵۷/۰۳	۷۹۶/۲۴	-۴۴۵/۷۳	-۱۶۳۲/۴۶	-۷۵۸/۲۲	-۱۰۲۴/۷۸	ساخت
۲۳۳	۳۹/۶۸	۱۲۸/۴۰	۲۵۵/۳۷	۱۸۸/۴۹	-۶۲/۰۶	-۸۳/۸۹	تأمین آب، برق، گاز
۸۱۵	۱۲۴۱/۵۳	۹۰/۵۱	۱۰۶/۲۴	۱۴۴۴/۵۶	-۵۳۲/۷۷	-۷۲۰/۰۷	ساختمان

مأخذ: همان.

اما با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۱۲ کلیه زیربخش‌ها در سطح استان دارای مزیت نسبی می‌باشند. تغییرات پیش آمده در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ در زیربخش‌های صنعت گویای آن است که رشد فرصت‌های شغلی شهرستان نسبت به سهم آن در سطح استان و کشور به‌ویژه در زیربخش‌های تأمین آب، برق، گاز و ساختمان که نسبت به سهم ملی روند افزایش زیادی داشته است، قابل توجه بوده است.

۳-۳. تحلیل اشتغال با استفاده از مدل سوات

در پژوهش حاضر عوامل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدات) که اشتغال در شهرستان بیرجند با آن مواجه است، با استفاده از مدل تحلیلی سوات (تجمیع مطالعات اسنادی کتابخانه‌ای و نظر عده‌ای از کارشناسان حوزه اقتصاد) ارزیابی شده است.

جدول ۱۳. عوامل درونی اشتغال در شهرستان بیرجند براساس مدل swot در شهرستان بیرجند

امتیاز	رتبه	وزن	قوت	عامل قوت (s)
۰/۲۷۲	۴	۰/۰۶۸		کشاورزی
۰/۲۶۸	۴	۰/۰۶۷	وجود مزیت نسبی تولیدات کشاورزی (زرشک و زعفران)	
۰/۱۸۶	۳	۰/۰۶۲	وجود ذخایر غنی ژنتیک دامی	
۰/۲۵۶	۴	۰/۰۶۴	وجود دانش بومی منطقه در زیربخش های کشاورزی	
۰/۱۷۱	۳	۰/۰۵۷	۲۵۷ هکتار از اراضی تحت آبیاری قطره‌ای و ۴۰۰ هکتار تحت آبیاری بارانی است	
۱/۱۵۳			جمع	
۰/۲۴۴	۴	۰/۰۶۱	تعداد ۴۸ کارگاه صنعتی با ۲۷۰۵ شاغل که ۴۱۰۲۷۵ ارزش افزوده ایجاد کرده است	صنعت
۰/۲۵۲	۴	۰/۰۶۳	رتبه دوم تولیدات معدنی در استان	
۰/۲۴۸	۴	۰/۰۶۲	ساختار زمین شناسی منحصربه‌فرد و پتانسیل های معدنی مثل طلا، قلع و تنگستن و...	
۰/۱۷۷	۳	۰/۰۵۹	کارگاه‌های صنعتی ۳۰ درصد از اشتغال و ۲۰ درصد ارزش افزوده ایجاد کرده است	
۰/۱۷۷	۳	۰/۰۵۹	۱۲ درصد معادن در حال بهره‌برداری استان را داراست	
۰/۲۴۸	۴	۰/۰۶۲	۳۰ درصد شاغلان معدنی استان را داراست	
۱/۳۴۶			جمع	
۰/۱۸۹	۳	۰/۰۶۳	شاغلان این بخش ۴۸ درصد رشد داشته است	خدمات
۰/۲۶	۴	۰/۰۶۵	رشد خدمات از متوسط رشد اقتصادی شهرستان بیشتر است	
۰/۲۴۸	۴	۰/۰۶۲	رشد واقعی شاغلان خدمات از سهم ملی آن بیشتر است	
۰/۲۴۸	۴	۰/۰۶۲	تغییرات ساختاری بخش خدمات مثبت است	
۰/۱۹۲	۳	۰/۰۶۴	کوتاه بودن سیکل اداری و رسیدگی به امور متقاضیان در کوتاه‌ترین زمان	
۱/۱۳۷			جمع	
۳/۶۳۶		۱	مجموع نقاط قوت	

امتیاز	رتبه	وزن	ضعف	عامل ضعف (W)
۰/۱۸۸	۲	۰/۰۹۴	کاهش تدریجی سطح زیر کشت اراضی آبی	کشاورزی
۰/۰۸۸	۱	۰/۰۸۸	رشد واقعی کشاورزی از سهم ملی آن کمتر است	
۰/۱۸۴	۲	۰/۰۹۲	غرقابی و سنتی بودن اغلب سیستم‌های آبیاری	
۰/۰۸۷	۱	۰/۰۸۷	تغییرات رقابتی بخش کشاورزی منفی است	
۰/۵۴۷			جمع	
۰/۰۹۱	۱	۰/۰۹۱	رشد واقعی شاغلان صنعت از سهم ملی آن کمتر است	صنعت
۰/۱۹	۲	۰/۰۹۵	کاهش قدرت رقابتی بخش صنعت	
۰/۰۸۹	۱	۰/۰۸۹	رشد کند فعالیت‌های صنعتی	
۰/۱۸۶	۲	۰/۰۹۳	عدم خود کفایی در بخش ساختمان و صنعت	
۰/۰۸۸	۱	۰/۰۸۸	کاهش رشد واقعی بخش صنعت از سهم ملی آن	
۰/۶۴۴			جمع	
۰/۱۸۴	۲	۰/۰۹۲	نداشتن نیروی ماهر در مشاغل خدماتی	خدمات
۰/۰۹	۱	۰/۰۹	کاهش قدرت رقابتی بخش خدمات	
۰/۲۷۴			جمع	
۱/۴۶۵		۰/۹۹۹	مجموع نقاط ضعف	
۵/۱۰۱		۱	امتیاز عوامل درونی	جمع قوت‌ها و ضعف‌ها (SW)

مأخذ: همان.

بررسی‌ها نشان داد که در عوامل داخلی ۱۶ نقطه قوت در برابر ۱۱ نقطه ضعف قرار دارد. مجموع امتیاز نهایی عوامل داخلی برابر با ۵/۱۰۱ می‌باشد و این بدان معناست که اشتغال در شهرستان بیرجند از نظر عوامل داخلی دارای قوت می‌باشد. در میان عوامل داخلی بیشترین تأثیر با ۱/۳۴۶ امتیاز، به بخش صنعت اختصاص یافته است. در زمینه کشاورزی دارا بودن رتبه دوم تولید گندم در استان (۰/۲۷۲) و داشتن مزیت نسبی در برخی تولیدات کشاورزی (۰/۲۶۸) بیشترین تأثیر را داشته است.

در صنعت نیز به علت دارا بودن رتبه دوم استانی در تولیدات معدنی (۰/۲۵۲)، ساختار زمین‌شناسی منحصر به فرد (۰/۲۴۸) و دارا بودن ۳۰ درصد شاغلان معدنی استان (۰/۲۴۸) نقش عمده‌ای در اشتغال شهرستان داشته است. افزایش رشد واقعی شاغلان بخش خدمات نسبت به سهم ملی (۰/۲۴۸) و تغییرات ساختاری مثبت این بخش (۰/۲۴۸) بیشترین تأثیر را در نقاط قوت آن داشته است. در زمینه نقاط ضعف نیز در بحث کشاورزی کاهش سطح زیر کشت اراضی آبی (۰/۱۸۸) و سنتی بودن اغلب سیستم‌های آبیاری (۰/۱۸۴)، بیشترین نقش را در ضعف کشاورزی داشته است. کاهش قدرت رقابتی بخش صنعت (۰/۱۹) و عدم خودکفایی در بخش ساختمان و صنعت (۰/۱۸۶) علت عمده ضعف بخش صنعت بوده است. در زمینه خدمات نیز نبود نیروی متخصص و ماهر در مشاغل خدماتی (۰/۱۸۴) بیشترین تأثیر را در ضعف این بخش داشته است (جدول ۱۳).

تحلیل عوامل بیرونی اشتغال (جدول ۱۴) بیانگر آن است که ۲۰ نقطه فرصت در برابر ۱۱ نقطه تهدید قرار گرفته است و بخش صنعت بیشترین فرصت‌ها (۲/۳۷۶) را دارا می‌باشد و کشاورزی نیز (۰/۶۴۲) با بیشترین تهدیدات مواجه است. در زمینه کشاورزی امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به سمت فعالیت‌های مولد (۰/۲)، بهینه‌سازی راندمان مصرف (۰/۲۲۸) و توجه به تلفیق دانش بومی و نوین در جهت احیا و توسعه کشاورزی (۰/۲۳۶) بیشترین تأثیر را در ایجاد فرصت‌ها داشته است. در بخش صنعت، واقع شدن در کویر و توجه به جنبه‌های مثبت توسعه آن (۰/۲۳۲)، اتصال مرکز استان به راه‌آهن بافق - مشهد (۰/۲۴)، حجم زیاد سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های معدنی (۰/۲۴۴) و کم بودن محدودیت‌های زیست‌محیطی (۰/۲۳۲) بیشترین تأثیر را داشته است. عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زیربخش‌های خدمات (۰/۱۲) نیز بیشترین فرصت را برای بخش خدمات مهیا کرده است.

در زمینه نقاط تهدید نیز بخش کشاورزی به علت وجود محدودیت‌های دولتی در سرمایه‌گذاری‌ها (۰/۱۸۸)، خشکسالی (۰/۱۸) و کاهش فرصت‌های اشتغال (۰/۱۸۸) با بیشترین تهدیدات مواجه است. در صنعت نیز، وجود محدودیت‌های دولتی (۰/۱۸۴) بیشترین نقش را داشته است. در بخش خدمات، پراکندگی و پایین بودن کیفیت راه‌ها (۰/۱۹۲) بیشترین تأثیر را در بروز تهدیدات داشته است.

جدول ۱۴. عوامل بیرونی اشتغال در شهرستان بیرجند براساس مدل SWot در شهرستان بیرجند

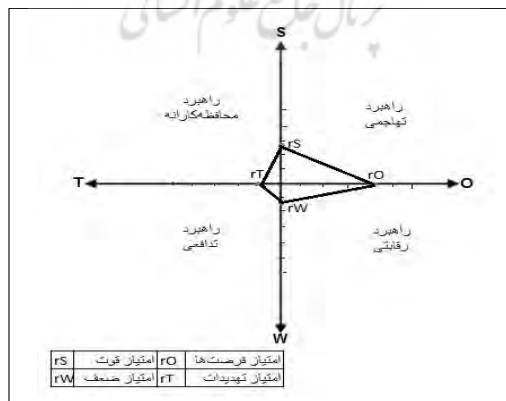
امتیاز	رتبه	وزن	فرصت‌ها	عامل فرصت (O)
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	امکان جابه‌جایی نیروی انسانی از بخش خدمات به کشاورزی	کشاورزی
۰/۲	۴	۰/۰۵	امکان سرمایه‌گذاری خصوصی به سمت فعالیت‌های مولد	
۰/۲۲۸	۴	۰/۰۵۷	امکان بهینه‌سازی راندمان مصرف	
۰/۲۳۶	۴	۰/۰۵۹	توجه به تلفیق دانش بومی و نوین در احیا و توسعه کشاورزی	
۰/۷۵۴			جمع	
۰/۲۱۶	۴	۰/۰۵۴	۹۸ درصد کارگاه‌های صنعتی تحت مالکیت بخش خصوصی اند	صنعت
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	امکان جابه‌جایی نیروی انسانی از خدمات به صنعت	
۰/۲۳۲	۴	۰/۰۵۸	واقع شدن در کویر و داشتن روزهای آفتابی	
۰/۱۷۲	۴	۰/۰۴۳	امکان بهره‌برداری از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر	
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	امکان کشت و توسعه چغندر قند در دشت اسدآباد	
۰/۲۴	۴	۰/۰۶	اتصال مرکز استان به راه آهن بافق - مشهد	
۰/۲۳۲	۴	۰/۰۵۸	کم بودن محدودیت‌های زیست‌محیطی	
۰/۲۴۴	۴	۰/۰۶۱	حجم زیاد سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های معدنی	
۰/۱۳۸	۳	۰/۰۴۶	وجود بازارچه‌های مرزی فعال	
۰/۲۳۶	۴	۰/۰۵۹	امکان صادرات مواد معدنی	
۰/۱۲۹	۳	۰/۰۴۳	بخشودگی هزینه‌های ناشی از تغییر کاربری اراضی به صنعتی	
۰/۱۴۴	۳	۰/۰۴۸	مجاورت با افغانستان و پاکستان	
۰/۱۲۳	۳	۰/۰۴۱	تبدیل دانشگاه صنایع و معادن به دانشگاه صنعتی شرق کشور	
۲/۳۷۶			جمع	
۰/۱۲	۳	۰/۰۴	عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زیربخش‌های خدمات	خدمات
۰/۲۳۶	۴	۰/۰۵۹	گسترش فعالیت‌های بخش حمل‌ونقل	
۰/۲۰۸	۴	۰/۰۵۲	امکان ایجاد زیرساخت‌های مخابراتی و IT	
۰/۵۶۴			جمع	
۳/۶۹۴			مجموع فرصت‌ها	
امتیاز	رتبه	وزن	تهدیدات	عامل تهدید (T)
۰/۱۸۸	۲	۰/۰۹۴	محدودیت‌های دولتی در سرمایه‌گذاری‌ها	کشاورزی
۰/۰۸۶	۱	۰/۰۸۶	شاغلان این بخش جذب بخش خدمات شده‌اند.	
۰/۱۸	۲	۰/۰۹	خشکسالی	
۰/۱۸۸	۲	۰/۰۹۴	کاهش فرصت‌های اشتغال	
۰/۶۴۲			جمع	

امتیاز	رتبه	وزن	تهدیدات	عامل تهدید (T)
۰/۱۸۴	۲	۰/۰۹۲	محدودیت‌های دولتی در سرمایه‌گذاری‌ها	صنعت
۰/۰۸۷	۱	۰/۰۸۷	شاغلان صنعت جذب خدمات شده‌اند	
۰/۰۸۹	۱	۰/۰۸۹	۲۰ درصد کارگاه‌های صنعتی تحت مالکیت بخش عمومی‌اند	
۰/۱۷۸	۲	۰/۱۷۸	کاهش شاغلان بخش صنعت	
۰/۵۳۸			جمع	
۰/۱۸۶	۲	۰/۱۸۶	عدم کارایی مناسب بخش خدمات	خدمات
۰/۱۹۲	۲	۰/۱۹۲	پراکندگی و پایین بودن کیفیت راه‌ها	
۰/۰۸۹	۱	۰/۰۸۹	دوری از مراکز عمده شهری	
۰/۴۶۷			جمع	
۱/۶۴۷			مجموع تهدیدات	
۵/۳۴۱		۱	امتیاز عوامل بیرونی	جمع فرصت‌ها و تهدیدها (OT)

مأخذ: همان.

با توجه به یافته‌های تحقیق، آن گونه که در شکل ۴ نشان داده شده است، قوت‌ها در میان عوامل درونی و فرصت‌ها در میان عوامل بیرونی بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. لذا جهت ارتقای وضعیت اشتغال در شهرستان بیرجند باید با استفاده حداکثری از قوت‌ها و فرصت‌ها، به سمت راهبردهای تهاجمی گام برداشت.

شکل ۴. ماتریس ارزیابی موفقیت و اقدام استراتژیک



مأخذ: همان.

جهت حداکثرسازی قوت‌های درونی و حداقل‌رسانی تهدیدات بیرونی، می‌توان پیشنهادهای زیر را با تأکید بر راهبردهای تهاجمی ارائه داد.

الف) راهبرد تهاجمی

- * سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در جهت افزایش راندمان تولید کشاورزی،
- * ایجاد کارگاه‌های صنعتی در نقاط شهری و روستایی شهرستان،
- * انتقال شاغلان بخش خدمات به دیگر بخش‌ها،
- * ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی محصولات سازگار با اقلیم منطقه،
- * افزایش سطح زیر کشت زرشک و زعفران،
- * به‌کارگیری تکنولوژی سازگار با دانش بومی،
- * استقرار شبکه هوشمند اطلاع‌رسانی هواشناسی برای پیش‌بینی رخداد‌های طبیعی،
- * سامان‌دهی کارگاه‌های کوچک و توسعه فعالیت‌های معدنی،
- * ارتقای فعالیت‌های بخش تأمین آب، برق و گاز در راستای افزایش صادرات.

ب) راهبرد رقابتی

- * صنعتی‌سازی نواحی روستایی و جذب نیروی انسانی به فرصت‌های شغلی ایجاد شده،
- * ترغیب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در راستای ایجاد کارگاه‌های صنعتی،
- * ارائه تسهیلات توسط دولت برای جایگزینی آبیاری نوین به جای شیوه‌های نادرست سنتی،
- * دادن مشوق‌های سرمایه‌گذاری توسط دولت،
- * به‌کارگیری شبکه‌های مجازی در ارتقای بخش خدمات.

ج) راهبرد محافظه‌کارانه

- * خصوصی‌سازی فعالیت‌های بخش کشاورزی، صنعت و معدن،
- * شناسایی مزیت‌های نسبی تولیدات کشاورزی و ارتقای تولید محصولات مثل زرشک و زعفران،
- * افزایش حجم سرمایه‌گذاری در معادن،
- * ایجاد و توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز.

د) راهبرد تدافعی

- * تحت حمایت قرار گرفتن کارگاه‌های صنعتی توسط بخش خصوصی،
- * به کارگیری نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده در بخش خدمات،
- * کشت محصولات مقاوم به خشکی،
- * مدیریت بحران و شناسایی راهکارهای مقابله با خشکسالی،
- * آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای پرورش نیروی کار در زیربخش‌های صنعت،
- * تربیت نیروی ماهر در فعالیت‌های معدن و تأمین آب، برق و گاز.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از داده‌های مستند مرکز آمار ایران از گروه‌های عمده فعالیت در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در سه سطح شهرستان بیرجند، استان خراسان جنوبی و ایران به تحلیل وضعیت اشتغال در شهرستان بیرجند و شناسایی مزیت‌های نسبی آن پرداخته شده است.

بر اساس نتایج مدل تغییر سهم و ضریب مکانی، شهرستان بیرجند در بخش‌های صنعت و خدمات دارای مزیت نسبی بوده است. بررسی زیربخش‌های صنعت و خدمات حاکی از آن است که با رشد اشتغال در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ اکثر زیربخش‌های خدمات به‌ویژه فعالیت‌های مالی و بیمه، آموزش، امور عمومی و دفاع دارای بیشترین مزیت نسبی بوده‌اند. در بخش صنعت نیز معدن، تأمین آب، برق، گاز و ساختمان از بیشترین مزیت نسبی برخوردار بوده‌اند. از این رو انتظار می‌رود که تکیه بر مزیت نسبی و قابلیت صادراتی بخش‌های صنعت و خدمات نقش مؤثری در رشد اشتغال منطقه داشته باشد. مدل سوات نیز با هدف تدوین کلیت برنامه توسعه استراتژیک با تأیید بر یافته‌های تحقیق، جهت بهبود وضعیت اشتغال در شهرستان بیرجند، تکیه بر راهبردهای تهاجمی را پیشنهاد داده است.

منابع و مآخذ

۱. آسایش، حسین و علیرضا استعلاجی (۱۳۸۲). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
۲. ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۹). آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی در جنوب شرق ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۳. امینی، علیرضا و فرزانه منصوری (۱۳۸۵). «تحلیل عوامل مؤثر بر اشتغال جوانان به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی ایران»، پژوهش‌های اقتصادی، ۱۷ (۵۰).
۴. برانسون، ویلیام اچ. (۱۳۸۳). تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، تهران، نشر نی.
۵. تودارو، مایکل (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم، غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه.
۶. جعفری صمیمی، احمد و سمیه‌سادات نقوی (۱۳۸۷). «بررسی مزیت نسبی ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در منطقه خراسان براساس برنامه سوم توسعه»، دانش و توسعه، ۱۵ (۲۳).
۷. رحمانی، تیمور (۱۳۸۹). اقتصاد کلان، انتشارات برادران، جلد دوم، چاپ نهم.
۸. زمانی، هادی (۲۰۰۷). موانع تکوین دولت مدرن و توسعه اقتصادی در ایران، لندن، جلد اول، نشر hz.
۹. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۸). اصول و روش برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه یزد، چاپ اول.
۱۰. سبحانی، حسن و باقر درویشی (۱۳۸۴). «بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختاری اشتغال در استان ایلام»، تحقیقات اقتصادی، ۲۳ (۷۰).
۱۱. صادقی شاهدانی، مهدی و محمد غفاری فرد (۱۳۸۸). «بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختاری تولید ناخالص داخلی در استان‌های کشور»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۷ (۵۰).
۱۲. صانعی‌پور، محمود (۱۳۸۵). کارگاه آموزشی شرکت‌های مادر تخصصی، وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال، چاپ دوم.
۱۳. صباغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰). اقتصاد منطقه‌ای (تئوری‌ها و مدل‌ها)، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. فرهودی، رحمت‌الله و اکبر محمدی (۱۳۸۵). «تحلیل و پیش‌بینی وضعیت اشتغال در شهر سنج با استفاده از مدل تغییر سهم ضریب مکانی و ضریب جینی»، پژوهش‌های جغرافیایی، ۱۰ (۵۵).
۱۵. متوسلی، محمود و جواد فتح‌اللهی (۱۳۸۹). «مقدمه‌ای بر نظریات ویلیامسون و کاربرد آن در مسائل توسعه ایران»، پژوهش‌های اقتصادی، ۱۰ (۳).
۱۶. مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی استراتژیک در کلان‌شهرها، تهران، نشر شهرداری.
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۲). گزارشات مستند سرشماری ۱۳۹۰ پیرامون فعالیت‌های اقتصادی، پرتال مرکز آمار ایران.
۱۸. _____ (۱۳۹۱). گروه GIS معاونت برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی، پرتال مرکز آمار ایران.

۱۹. معاونت برنامه‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و بودجه (۱۳۸۷). «گزارش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرستان‌های استان خراسان جنوبی ۱۳۸۵»، جلد اول، شهرستان بیرجند، استانداری خراسان جنوبی.
۲۰. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران (۱۳۸۹). *سالنامه آماری استان خراسان جنوبی ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵*، تهران، معاونت برنامه‌ریزی.
۲۱. _____ (۱۳۸۹). *سالنامه آماری کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵*، تهران، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر آمار و اطلاعات.
۲۲. نورث، داگلاس سی (۱۳۸۵). *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

23. Browne, M. N. and P. F. Haas (1987). *Modern Economics, Principles; Goals and Trade offs*; USA.
24. North, Douglass C., John J. Wallis and R. Barry Weingest (2006). "A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History", December, NBER, Working Paper Series, No. 12795.
25. North, Douglass C., (2004). "Learning, Institutions, and Economic Performance; Perspectives on Politics", Vol. 2, No. 1.
26. Heico, Kerkmeester (1999). "Methodology: General, Erasmus University of Rotterda.
27. Hodgson, Geoffrey M. (2007). *Institutions and Individuals: Interaction and Evolution; Organization Studies*, 28.
28. Janaranjana, Herath, Tesfa G. Gebremedhin and Blessing M. Maumbe (2010). *ADynamic Shift Share Analysis of Economic Growth in West Virginia*, Research paper (12)
29. Steven, M., G. Modema and N. Mercuro (2003). *History Institutional Law and Economics*, Encyclopedia, Low and Economic.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی